

گشت بوده و آنان دین با شکوه جدید را که همان آئین کاکولکان (Kakolkan) یا افسی پردار (Feathered - serpent) می باشد ابداع کردند. بر طبق عقیده کاهنان، وقتی بنای ساختمانهای مزبور تمام شد طبق قوانین دوره‌ای تقویم، خدایان بازخواهند گشت، بهمین دلیل تمام مردم سعی کامل میکردند که هر چه زودتر بنای این معابد وهره‌ها، مطابق روش منظم تقویمی زودتر تمام شود. زیرا عقیده داشتند سالی که ساختمان این بناها تمام شود خوشبختی و خوشحالی زیاد به سکنه سرزمینشان ارزانی خواهد شد، و خدای کاکولکان (Kakulkem) از میان ستارگان به زمین خواهند آمد، و ساختمانهای مزبور را در ملک خود گرفته، و میان اهالی زندگسی خواهند کرد.

کار ساختمانها تمام شد، و تاریخ برگشت خدایان نزدیک میگشت، ولی از مراجعت خدایان هیچ خبری نبود، در این موقعیت مردم شروع به خواندن دعا برای برگشت خدایان کردند و مدت یکسال منظر شدند و همچنین برای ورود خدایان آنان به هدیه کردن غلات، این جواهرات، گندم و روغن خود دست زدند. البته این هدایا برای برگشت خدایان مفید واقع نگردید و هیچ وقت فرشته آسمانی در سرزمین آنان ظاهر نگردید، و آسمان همچنان خاموش ماند، و هیچ اربابی از آسمان به زمین فرود نیامد و صدای رعد و برقی نیز که نشانی از ورود خدایان باشد از طرف مردم شنیده نشد و بطور کلی هیچ واقعه غیر عادی رخ نداد. اگر ما این فرضیه را اتفاقی هم تلقی نمائیم باید اضافه کنیم که عدم برگشت خدایان برای مردم و کاهنان، بآس و ناهیدی بسیار بهار آورد. زیرا کارهای متعددی و شایسته که قرن‌ها بطول انجامیده بود به دررفت و شک و تردید دچار شد. آیا در محاسبه تقویم اشتباهاتی رخ داده، یا خدایان بجای دیگر فرود آمده‌اند؟ آیا چه عاملی موجب این اشتباه دردناک شده است؟ باید در این جهاد آور شد که مطابق تقویم مایاها سال ۳۱۱ قبل از میلاد مسیح نزد آنان سال اسرار آمیز ثبت شده و تأیید این موضوع از نوشته‌های قوم مایا کاملاً عیان است. اگر ما این تاریخ ثبت شده را قبول کنیم در آن سورت فقط حلاله چند صدساله فیما بین تاریخ مذکور و شروع تمدن فرهنگی مصری‌ها بوجود می‌آید و این سال

افسانه‌های بنظر درست خواهد بود زیرا تقویم فوق‌العاده دقیق قوم ما پایه کرات
 به آن سال اشاره کرده است. اگر این موسوعه قبول کنیم، تنها تقویم و مهاجرت
 ملی نیست که مرا به شك و تأمل وامی‌دارد، بلکه هر کشف جدیدی همیشه توأم
 با شك و تأمل توأم بوده است. در سال ۱۹۳۵ يك سنگ با نقش برجسته که
 احتمالاً زیاده‌ای کاگامتر Kukumatz (در بوکاتان و کاکولکان) را نشان
 میدهد در قسمت پالنهنگ (Palenque) که جزو امپراطوری قدیم می‌باشد
 کشف گردید، يك نگاه بی‌طرفانه و بدون تعصب به این نقش، باعث خواهد شد
 که حتی شکاکترین فرد، مکش کرده و در باره آن فکر کند. در این نقش يك
 انسان در حالتی که قسمت بالای بدنش مانند يك دوچرخه سوار بطرف جلو خم
 است نشان داده شده و امروزه حتی چهره‌ها هم این جسم را نمیتوان يك راکت
 میتوانست شناسائی نمایند. جسم مزبور در قسمت جلوسونوک تیز است و در قسمت
 انتها شیارهایی دنداندار شده عجیبی که شبیه به يك دريچه ورودی است دارا
 می‌باشد و قسمت عقب بطور یکتواخت پهن میشود و بالاخره در انتهای جسم
 رانه‌هایی از آتش خود نمایی می‌کند. شخص خم شده در حال کنترل کردن
 تعدادی از ادوات غیرقابل تفریح می‌باشد. پاشنه پای چپ او بر روی نوعی
 از پدال قرار گرفته است و لباس این شخص را شلواری کوتاه با کمر بندی پهن
 و ژاکتی که دارای منفذی باز در قسمت گردن، با نواری محکم شده بر روی
 دست و پاها که برای فضاوردی خیلی مناسب است تشکیل میدهد. با اطلاعاتی
 که ما درباره تصویرهای مشابه این نقش داریم اگر کلاه غامض و پیچیده
 فضاوردی، از قلم افناده باشد تعجب خواهیم کرد. ولی در اینجا کلاه مزبور، با
 هر دو فنکی‌ها و دندان‌های معمولی و چیزی شبیه آهن که بر فرق کلاه کار گذاشته
 شده از خارج بخوبی خودنمایی میکند، مسافرضائی نقش شده تنها بوده و در
 این تصاویر نورس و جگرف جلو خم شده و نگاه او بطور دقیق بر روی دستگاہائی
 که در مقابل صورتش آویزان است متمرکز گردیده است. وسندلسی جاسوی
 دنیا در وسط حصارهایی از قسمت عقب کشتی فضائی جدا شده. در قسمت عقب
 کشتی فضائی تمدنی جدید و دوار و مناط و بالاخره در پیچ‌هایی که بطور متقارن
 تقویم کرده است خودنمایی می‌کند. این نقش برجسته اما چه میگوید؟

آیا هیچ‌آیا تمام پدیده‌هایی که فکر افراد را به مسافرت‌های فضایی مشغول می‌کند خیالی واهی بیش نیست؟ اگر سنگ مزبور را که در (Palemque) کشف شده از سلسله دلائل خود حذف کنیم، در آن صورت حتی در مورد صحت کشفهای مهمی که توسط دانشمندان انجام گرفته باید شك و تردید کرد. و از طرف دیگر وقتی که مباحثات تجسم مادی يك قضیه سروکار داریم نمیتوان آن را نوعی از تخیلات و ژانیده اندیشه صرف، برای ادامه بحث دربارهٔ این معماها که سؤالهای زیادی دربارهٔ آنها بلاجواب مانده است، دانست. این که چرا مایاها قدیمی‌ترین شهر خود را در جنگل ساخته و نه در کنار رودخانه ویا کنار دریا بازمعمانی است. برای مثال تیکال (Tikal) در حدود ۱۰۹ میلی از خلیج هند وراس (Honduras) ۱۶۱۰ میلی شمال شرقی خلیج کامپیچ (Compeche) و ۲۳۶ میلی اقبانوس آرام قرار دارد. زیاد بودن اسباب آلتی که از مرجان و صدف و بالاخره گوش ماهی ساخته شده است مؤید این است که مایاها با دریا کاملاً آشنائی داشته‌اند. با تمام این حقایق بازم این سؤال باقی میماند که چرا آنها ترجیح دادند در جنگل ساکن شوند؟ چرا آنان مخازن آب ساخته‌اند در صورتیکه میتوانستند در کنار دریا ساکن گردند. تنها در سرزمین تیکال (Tikal) ۱۳ مخزن آب با ظرفیت ۲۱۳۵۰۴ یارد مکعب وجود دارد. چرا آنان بطور مطلق بجای زندگی در نقاط موقول‌تری، در این قسمت فعالیت‌های خود را متمرکز داده و شروع به پاکردن ساختمان‌های خود شدند، پس از مسافرت دسته جمعی و خسته‌کننده مایاهای ما یوس، سرزمین جدیدی برای امپراطوری جدید خود در شمال پیدا کردند و دوباره معبدها و اهرام خود را مطابق تاریخی که قبلاً در تقویم ثبت گردیده بود شروع به ساختن کردند. برای اینکه خواننده تا حدودی با نقت تقویم مایاها آشنائی پیدا کند در زیر دوره‌های (Period) زمانه‌ی مورد استفاده آنها را بیان میکنیم. در پستیانی (رسدخانه) چی‌چین (chichen) اولین و قدیمی‌ترین ساختمان مشهور (استوانه‌ای) در مایا محسوب میشود و حتی در زمانی حال هم که مرمت شده شبیه يك رسدخانه میباشد. ساختمان مزبور ۵۵۰۰ و ارتفاع آن از جنگل کلبا هم بالاتر است و بر روی سه طبقه زمین از کف بنا شده است و در داخل پله‌های

مارپیچ، قسمت‌های پائینی را به قسمت بالایی پست دیده بانی متصل میکند و در قسمت گنبدی این ساختمان دیده بانی، درپچه‌ای است که میتوان از طریق آنها ستاره‌ها و صفحه آسمان را بخوبی رصد کرد. دیوار خارجی آن از نقش‌های خدای باران و انسان‌های بالدار پوشیده شده است. بطور واضح علاقه مایاها نمیتواند دلیل کافی بر ارتباط آنان با موجودات فکور سبازده‌های دیگر باشد. بهر صورت تعداد پرش‌هایی که یلا جواب مانده زیاد است. مثلاً چگونه قوم مایا درباره اورانوس و نپتون دارای اطلاعاتی بوده‌اند. چرا رصدخانه آنها (چی چن) در جهت روشن‌ترین ستاره‌ها ساخته نشده است؟ چگونه آنان، معلوماتی را که منجر به محاسبات سالهای شمسی و ونوسی میشود تا چهار رزم اعشار بدست آوردند؟ وجود چنین سنگی که روی آن، نقش یکی از خدایان در حال هدایت را کتیدیم میشود چیست؟ تقویم مایاها که محاسبات ۳۰۰ میلیون سال را دربردارد، این همه معلومات نجومی را از چه منبعی بدست آوردند؟ آیا میدان تمام این حقایق را بهر، شیاری و بر حوردهای اتفاقی قوم مایاها با عینیا، علمی نسبت داد و یا اینکه این حقایق حامل پیام‌های انقلابی برای آیندگان بسیار دور می‌باشد. بهر حال با هر گونه بررسی در طبقه بندی این حقایق، باز هم بقدری نکات ضد و نقیض و غیر معمول باقی خواهد ماند که تحقیقات علمی مجبور خواهد بود برای جواب دادن به بعضی از این پرش‌ها فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای انجام دهد زیرا که در عصر ما تحقیقات علمی دیگر کلمه غیر ممکن را نمیتواند بپذیرد.

داستان جالب توجه دیگری که در اینجا می‌توان بیان کرد مربوط به چاه مقدس (چی چن اب‌تزا) می‌باشد. آقای ادوارد هربرت تامسون از میان لجن‌های چاه زبور مقداری جواهر و اشیاء هنری و همچنین اسکلت‌هایی از پسران و دختران جوان بدست آورده است. با در نظر گرفتن موارد باستان شناسی، دیگودیلاندا (Digo-Delanda) نتیجه می‌گیرد که در زمانهایی که قطعی رخ میداده، کاهنان با انداختن دختران و پسران جوان در چاه، در ضمن مراسم مذهبی و برای کاستن خشم خدای باران آنان را قربانی می‌کردند. تامسون عقاید دیلاندا را ثابت می‌کند و این داستان سهمناکی است که

باعث بوجود آمدن پرش‌های جدیدی دربارهٔ چاه می‌گردد :

۱- چطور این مخزن آبی بوجود آمد.

۲- چرا این چاه را مقدس میدانند

۳- چرا و چطور بطور مخصوص این چاه و نه چاه‌های دیگر مورد توجه

قرار گرفت .

برای مثال چاهی درست شبیه این چاه مقدس در سنکال و در ۲۶ یاردی رسدخانه قوم مایا قرار گرفته که توسط مارها و هزار پاهای زهر آگین و بالاخره حشرات موزی حفاظت میشود. دهانه این چاه هم در سه باندازه قطر دهانه چاه مقدس است و دیوارهای عمودی آن درست مانند چاه مقدس کهنه می‌نماید و از نباتات جنگلی پوشیده شده است. دوچاه مزبور بطور عجیبی شبیه هم است بطوریکه ارتفاع آب در آنها مساوی و رنگهای ناشی از اثر انعکاس نور در چاه‌های بور از سبز متمایل به قهوه‌ای تا قرمز دیده میشود بدون شك هر دو چاه دارای قدمت مساوی بوده و در اثر برخورد شهاب‌های آسمانی بوجود آمده است. بهر صورت دانشمندان آن زمان همیشه در نوشته‌های خود از چاه مقدس صحبت می‌کنند در سورتیکه هر دو شباهت زیادی به یکدیگر دارند و هر دو با فاصله مساوی (۹۸۴ یارد) از انتهای بالائی بزرگترین هرم کاستیللو قرار دارد. نام این چاه دوم به معنی وجه در تئوری آنان گنجانیده نشده و بان اشاره‌ای نیز نمی‌شود و آنطور که گفته شد هر دو کاستیللو متعلق به خدای کاکول‌کان که همان افسی پر داد است می‌باشد. ماد تقریباً همیشه سمبلی برای ساختمان مایاها می‌باشد. و این تعجب‌آور خواهد بود که مایاها همیشه توسط طبیعتی سبز و حرم احاطه شده بودند و محیط زندگی آنان آکنده از زیبایی‌های طبیعی بود پس چرا در یک چنین محیط زیبای طبیعی، آنان بجای اینکه سمبلی از یک گل مثلاً برای خود انتخاب کنند نقش این ماد نفرت‌انگیز را در روی سنگ نبشته‌های خود همیشه حک کرده‌اند، و از طرف دیگر میدانیم که از روزگاران بسیار قدیم ماد همیشه از میان گرد و غبار زمین، راه خود را جستجو کرده و حال چطور میشود که مایاها قدرت پرواز هم به این خزنده می‌دهند، و طبق تصورات بسیار قدیمی، ماد تصویر اولیه شیطان می‌باشد که محکوم به خزیدن بر روی

زمین است . چطور کسانی پیدا میشوند این خسرانده نغرت انگیز را بعنوان خدا ستایش میکنند و حتی قدرت پرواز هم به او بخشیده باشند .

خدای کاکول کان (Kakulma) احتمالاً همان تصویر خدای سابق بنام (Quetzalcoatl) می باشد . افسانه مایاها درباره این خدا چه می گوید ؟ او از يك کشور ناشناخته آفتاب تابان ، درحالیکه دارای ریش بوده و شل سفیدی دربرداشت ظاهر گردید . او به تمام مردم علوم و هنرهای مختلف و عادات گوناگون و همچنان قوانین سودمند منطقی آموخت . و گفته شده که با سرپرستی او غلات آن زمان که رشد زیادی نداشت به اندازه طول قد يك انسان رشد کرد و با دهنمائی این خدا قوم مایا قادر شدند که حتی پنبه رنگی بکارند . و حتی کتزل کوتل مأموریت خود را به پایان رسانید و دوباره به دریا برگشت و سوار کشتی خود شده و بطرف سناره سیحگاهی حرکت کرد . برای من باعث تعجب است وقتی که بخاطر می آورم که کتزل کوتل قرار بود باز هم به سرزمین مایاها باز گردد ، بهر صورت دلائل کافی برای ظاهر شدن مرد برتر میان قبایل مایا شبیه به آنچه که در مورد بازگشت حضرت مسیح وجود دارد . زیرا ظاهر شدن چنین مرد دیش داری در بوم جغرافیائی که مایاها زندگی میکردند نمیتوانست يك اتفاق روزمره برای مایاها باشد ، و حتی يك فرضیه جسورانه دیگر نیز وجود دارد که کتزل کوتل همان مسیح اولیه باشد ولی این فرضیه مرا متقاعد نمی کند ، زیرا کسی که در میان قوم مایا ظاهر شد می بایستی از اهمیت چرخ درحمل و نقل مردم و اجسام اطلاع داشته باشد و با اطمینان می توان گفت که یکی از اولین کارهای مشخص خدا ماندنی مثل کتزل کوتل باید قانون گزاری ، درمان ، دهنمائی در بسیاری از موارد عملی زندگی و یاد دادن طرز استفاده از چرخ ب مردم ابتدائی مایا باشد . مردمی که هرگز از چرخ استفاده نکردند . حال میخواهیم مختصری از ضد و نقیض های منطقی دیگری از عجایب تاریک روزگاران گذشته را بازگو کنیم . در سال ۱۹۰۰ يك کشتی شکسته حجیم باستانی که از مجسمه های برنز و مرمر پر شده بود توسط یونانی ها کشف گردید . کشف این گنج هنری کمک شایانی به کشف نکات تاریک تاریخ باستانی می کند . مقالات بعدی نشان داد که این کشتی در حوالی

سالهای دوران مسیح درست شده است. بهر صورت وقتی که همه اشیاء کشف شده، طبقه بندی شد جسم پرانحنای دگرگون شده‌ای که احتمالاً از سایر مجسمه‌ها جالب‌تر بود چشم گیر شد و چون این جسم فلزی بطور دقیق مورد بررسی قرار گرفت دانشمندان ورقه‌های دایره مانند از برنز و همچنین نوشته‌هایی که در کنار آنها چرخ دنده‌هایی وجود داشت، کشف کردند. و بزودی به این نتیجه رسیدند که نوشته‌های مزبور باید به علم هیئت ارتباط داشته باشد. وقتی اجزاء مختلف آن را تمیز کردند یک ماشین عجیب که دارای عقربه‌های متحرک و صفحات مقیاسی پیچیده و صفحات فلزی با نوشته‌هایی بر روی آن بود نمودار گردید و ماشین، موتاز شده از قطعات مختلف بیست چرخ کوچک و نوعی چرخ دنده دفرانسپال (Crown-Wheel) و بالاخره چرخ دنده‌های اصلی در آن تعبیه شده بود. در یک طرف این ماشین جسمی دوار مانند وجود داشت که در حالت دوران، همه صفحات را با سرعت‌های مختلف حرکت و چرخش داد. عقربه‌های مزبور بوسیله پش‌های برنزی که بر روی آن نوشته‌هایی که قابل خواندن است حفاظت می‌گردد. آیا در مورد این ماشین، ما حتی کوچکترین شك و تردید درباره اینکه در دوران باستان ماشین‌هایی پیشرفته و در حد اکثر تکامل وجود داشته است میتوانیم داشته باشیم؟ ماشین مزبور بقدری پیچیده و دقیق است که یقیناً میتوان حدس زد که در نوع خود نمونه اولیه نبوده است. پروفیسور (Solina-Price) چنین حدس می‌زند که ماشین مزبور یک دستگاه محاسبه‌ای می‌تواند باشد که توسط آن وضعیت حرکات ماه و خورشید و احتمالاً منظومه‌های دیگر را نمیتوان محاسبه کرد و حقیقت مهم این نیست که این ماشین در ۸۲ سال قبل از میلاد بوجود آمده بلکه مهم این است که چه کسی این مدل کوچک اسطرلاب را با این دقت و پیچیدگی ساخته است.

فردرک دوم امپراطور و هسنس نافن (Hohenstoufen) وقتی که از جنگ‌های پنجم صلیبی در ۱۲۲۹ برگشت، چادری که در نوع خود بی نظیر است با خود از مشرق زمین آورد. در قسمت داخلی این چادر ماشینی که حرکت آن توسط ساعت تنظیم میشد تعبیه شده بود. و مردم می‌توانستند حرکت افلاک را از سقف کتبی چادر نظاره کنند. این ماشین نوعی سناره سنج بسیار قدیمی هم بود. وقتی ما وجود یک چنین دستگاهی را قبول کنیم بلافاصله به

حجم معلومات تکنیکی آن زمان بی‌خوابی برد. درحالی‌که میدانیم، زمان مسیح این مسئله که ستاره‌ها در آسمان ساکتند و همین‌طور سیستم مرکزیت زمین در عالم هستی مورد قبول همگان قرار داشت و بعنوان يك اصل قطعی پذیرفته شده بود، وجود دستکاهایی برای پی‌بردن به حرکت کواکب و سیارات، ما را به تعجب و شگفتی فرو نمی‌برد، حتی دانشمندان متبحر نجومی عرب و چینی آنوقت، درباره این حقایق خارق‌العاده، نمیتوانند توضیحی بدهند. و کاملاً واضح است که گالیله ۱۶۰۰ سال بعد از این وقایع بدنیا آمد و بالاخره هر کسی که به آن پی‌برد نباید ماشینی را که از آنتی کوثر (Anti Kythera) باقی مانده فراموش کند. این دستکاه در موزه باستانشناسی بمعرض دید گذاشته شده، و در حال حاضر ما فقط نوشته‌گنبی، دال بر وجود ستاره شنبغ در چادر گردزیک دوم در دست داریم. در زیر مسائل تعجب‌آوری از دوران باستانی بما رسیده است. طرح‌های تصویری از حیواناتی از قبیل شتر و شیر که در ۱۰۰۰ سال قبل در آمریکای جنوبی پیدانمیشد در روی صخره‌هایی در سحرای مارکاهازی (Marcahuasi) که در حدود ۲۵۰۰ پا از دریا ارتفاع دارد کشف شده است.

در ترکیستان شوروی، مهندسان اجسامی دالره‌ای مانند که از يك نوع شبهه درست شده بدست آورده‌اند که تعیین منشاء و خصوصیات این اشیاء توسط باستانشناسان توضیح داده نشده است. خرابه‌های يك شهر باستانی که می‌بایستی در يك قاجبه عظیم منهدم شده باشد در دره سرگه (Deatn Valley) سحرای نوادا کشف شده است و حتی امروز آثاری از صخره‌ها و ماسه‌های دوب شده می‌توان پیدا کرده و حرارت مواد مذاب از کومه‌های آتشفشان برای ذوب این صخره‌ها کافی نیست به‌علاوه اگر آتشفشانی اتفاق افتاده است میبایست اول ساختمانها را ذوب نماید و امروز این حرارت زیاد را قطعاً می‌توان با کمک اشعه لیزر (Laser Beam) ایجاد کرد، و عجیب این‌که حتی کوچکترین اثری از علف در این نواحی دیده نمیشود سنگه حجرالقبله و باحجرالجنوب در لبنان و زنی در حدود ۲ میلیون پوند دارند و جایجا شده‌اند و این سنگها يك قطعه نیستند و از پیوند قطعات کوچکتر بوجود آمده ولی قدر مسلم قدرت آدم نمیتواند آنها را جایجا کند. در استرالیا و پرو و شمال ایتالیا صخره‌هایی

با علائم و نقوش وجود دارد تا کنون کشف و موجودیت و تاریخ آن معلوم نشده است.

متن لوحه‌های طلایی که در منطقه اور (عراق - بین‌النهرین) کشف شده درباره خدایان، که شبیه به آنا نوردی که از آسمان آمده و به مردان مقدسی انواختی را تسلیم کرده صحبت می‌داد. در اشترالیا، فرانسه، هند، لبنان، آفریقای جنوبی و شیلی سنگهای سیاه خازرق‌العاده‌ای پیدا شده که محتوی مقدار زیادی برلیوم می‌باشد و پیدایش این سنگها بعثت تشعشعات شدید رادیواکتیو در درجات حرارت بسیار شدید وجود آورده است. الزام بیخوشی سومری‌ها ستاره‌های ثابت و سیاره‌ها را نام می‌برد. در روسیه نقش برجسته‌ای از سفینه هوایی پیدا شده است که سفینه شامل ده کره که با نظم و ترتیب در ردیف‌های پشت سرهم قرار گرفته است و ردیف‌های مزبور در یک چهارچوب مربع قرار دارد که باد و ستون حکم از دو طرف نگاهداری میشود و تمام کره‌ها روی ستونها قرار دارد.

از کشف‌های دیگری که در روسیه بدست آمده است، میتوان مجسمه برنزی انسانی را با لباس حجیم که یک کلاه خود در قسمت بالای سر به لباس بسته و محکم شده است نام برد. کنشها و دستکش‌های این مجسمه کاملا به لباس چسبیده شده است. در موزه بریتانیا مردم میتوانند خسوف و کسوف‌های گذشته و آینده ما را توسط جداول بابلی‌ها (بین‌النهرین - عراق) مشاهده کنند. در کانن کک مرکز تقاطع اونان (چین) نقش برجسته یک دستگاه شهبازگت سیلندری شکل که بطرف آسمان در حال پرواز است دیده شده. این نقش در روی یک هرم قرار دارد که در اثر زلزله‌های بطور ناگهانی از قدر دریاچه کانینگک ظاهر گردید. چه کسی میتواند درباره اینهمه ماما و این انبوه مسائل خازرق‌العاده و عجیب توضیح منطقی بدهد ؟

وقتی مردم سعی می‌کنند که همه سنتها و سدها مسئله گوناگون قدیمی را که مؤید خیلی مسائل اساسی است بنویسند و اهن بودن، غیر منطقی بودن، و یا اشتباه بودن، رد کنند، فقط میتوان گفت که آنها میخواهند از حقایق و واقعیت بگریزند. و کاملا غیر منطقی است که تمام کارهای انجام شده را نادیده بگیریم و تنها در مواردی که مثلا بخواهیم هدف یا منافع مشخصی را با که آن دنبال کنیم به آنها اشاره کنیم و این کاملا ضعف ما را میرساند، که ما چشم و گوش

حقیقت بین خود را فقط بخاطر اینکه نتایج بعدی ممکنست ما را از مسیر فکری که در طول قرن‌ها با آن آشنائی داشته‌ایم منحرف سازد و راه جدیدی را بروی ما بگشاید ، ببندیم . مکاشفات در هر روز و ساعت در تمام دنیا اتفاق می‌افتد . وسائل جدید ارتباط و نقل و انتقال باعث کشف‌های زیادی در کره زمین گردیده و دانشمندان باید در باره گزارشهای مربوط به روزگاران گذشته همان‌طور به تفکر و غور بپردازند که در مورد تحقیقات امروزی خود تعصب و اهمیت به خرج میدهند . ماجرای کشف‌های ما از دوران گذشته مرحله نخست خود را به پایان رسانیده و مرحله دوم تاریخ انسان با سفر آدمی به سوی کیهان شروع میگردد .

www.golshan.com

فول دهم

و تاکنون چنین نبوده که مادر باره مطالبی چنین مهم و وسیع، کم اطلاع ویی اعتنا باشیم؟

آزمودگیهای زمین از فضا

سؤال مهم در حال حاضر این است که آیا نکات مهمی درباره مسافرت‌های فضائی وجود دارد که هنوز درباره آنها بحث نشده است. بعضی از مردم با اظهار نظر معقول درباره اینکه در گره خاکی مسائل بسیار مشکل و حل نشده وجود دارد نباید تحقیقات انجام گیرد و بدین ترتیب سعی میکنند که از اهمیت تحقیقات فضائی بکاهند

از آنجائی که بحث علمی، در باره مسافرت‌های فضائی برای تعداد زیادی از مردم نا آشنا، زیاد قابل فهم و درک نمیشود، من فقط به تعداد کمی از دلائل واضح را که تشدید تحقیقات علمی فضائی را ایجاب میکند، در اینجا

ارائه خواهم داشت. در زمانهای بسیار قدیم کنجکاوی و ونع زیاد برای کسب معلومات؛ مؤثرترین نیروی محرك در امر تحقیقات را تشکیل میداد و دوستووال اساس همیشه در مقابل انسانها وجود داشته که: چرا و چگونه پدیدههای مختلف پدید می آید؟ دو سؤال مزبور همیشه برای پیشرفت و گسترش علمی انسان محرك بوده است و باید یادآور شد که سطح فعلی زندگی امروزی مردم در روی زمین، مدیون این تلاش دائم ناشی از همین دو پرسش فوق است. در حال حاضر وسائل مددن و راحت مسافرت و حمل و نقل، سختی مسافرت‌هایی را که پدران ما از آن رنج می بردند از بین برده است و بسیاری از کارهای شاق بدنی در حال حاضر بر راحتی توسط ماشین انجام میگردد و بسیاری از منابع انرژی تولیدات شیمیائی و دستگاههای تولید سرما و وسائل مختلف دیگر که در خانه از آن استفاده میکنیم ما را از خیلی فعالیت‌هایی که قبلاً توسط نیروی بازوی انسان انجام میگردد مستثنی کرده است. بهر صورت علم برای جامعه انسانی بهترین برکات را همراه خود آورده و بهیچ وجه باعث تولید پدیده‌های نامطلوب در زندگی انسانها نگردیده است.

امروزه علوم با سرعت بسیار زیادی به هدفهای خود میرسد، مثلاً در حدود ۱۱۲ سال طول کشید تا علم عکس برداری به گسترش فعلی خود رسید و برای کامل نمودن تلفن در حدود ۵۶ سال وقت صرف شد و همین طور پس از ۳۵ سال تحقیقات علمی، رادیو، به مرحله امروزی کامل خود رسیده. ولی کامل نمودن دستگاه رادار فقط ۱۵ سال وقت متخصصین را گرفت و مراحل مختلف برای کشف و کامل کردن دستگاههای شکر، هر روز، کوتاه تر میشود. تلویزیون سیاه سفید در حدود ۱۲ سال کامل گردید و ساختمان اولین بمب اتم فقط حدود ۶ سال بطول انجامید. اینها مثال‌هایی هستند از پیشرفت‌های تکنیکی. ۵۰ ساله اخیر که بهر حال با شکوه و حتی کمی واژه انگیز می نماید، و همیشه پیشرفت با سرعت زیاد برای رسیدن به هدف‌های جدیدتری ادامه خواهد داشت و در صد سال آینده، بسیاری از خواب‌های انسانی به حقیقت خواهد پیوست.

روح انسانی همیشه با وجود مخالفت‌ها و هشدارهای مختلف، به پیشرفت خود ادامه داده است. با مراجعه به نوشته‌های باستانی خواهیم دید که از قدیم

عقیده مردم این بوده است که آب محیط ماهی و هوا محیط پرندگان است ،
 لیکن در حال حاضر، شاهد این حقیقت هستیم که انسان‌ها به فضای بین دو حیوان
 تجاوز کرده و دیگر آب و هوا انحصاراً در دست حیوانات مزبور نیست و انسان
 به پرواز خود برخلاف قانون جاذبه، ادامه داده و در زیر دریایی‌های اتمی می‌تواند
 در اعماق اقیانوس‌ها ماه‌ها زندگی کند و با استفاده از ذکاوت خودمان، انسانها
 برای خود بال و دستگاہ تنفسی که مانند دستگاہ تنفس ماهی است ساخته که
 این دورا خالق بما اعطا نکرده است. وقتی چارلز لیند برگ (Charles
 Lindberg) پرواز افسانه‌ای خود را بطرف پاریس شروع کرد ، هدف اصلی
 او رسیدن به پاریس نبود بلکه او می‌خواست ثابت کند که وی می‌تواند در
 طول اتلانتيك پرواز کند بدون این که به او صدمه‌ای وارد گردد. اولین هدف
 مسافرت‌های فضائی ماه است، ولی در حقیقت علم و تکنیک در زمینه تحقیقات
 فضائی میخواهد ثابت نماید که انسان می‌تواند فضا را در زیر سلطه خود بگیرد.
 چرا ما میخواهیم به فضا مسافرت کنیم؟ در مدت چند قرن آینده، کره فضاکی بطور
 علاج‌ناپذیری باه مسئله افزایش جمعیت برخورد خواهد کرد. محاسبات آماری
 نشان میدهد که جمعیت دنیا در سال ۲۰۰۰ در حدود ۷/۸ میلیارد خواهد رسید و در
 حدود ۲۰۰۰ سال دیگر این عدد به ۵ میلیارد رسیده و در هر کیلومتر مربع حدود ۳۲۵
 انسان زندگی خواهد کرد که فکر کردن درباره این مسئله غیر قابل تحمل می‌باشد!
 تئوری‌های تسکین‌دهنده مانند بدست آوردن غذا از دریا و حتی ساختن شهرها در عمق
 دریاها نمی‌تواند حتی بتعقیه خوش باو در بین افراد، چاره انتقاج جمعیت را
 بنماید. در شش ماه اول ۱۹۶۶ در حدود ۱۰/۱۰۰ نفر انسان که با ناامیدی
 کامل سعی میکردند با تذبذب از حلزون و نیاتات خود را زنده نگهدارند در
 جزایر اندونزی بهلاکت رسیدند و اوتانت دبیر کل اسبق سازمان ملل تعداد
 کودکانی که در هندوستان، در اثر عدم تغذیه صحیح جانان در خطر مرگ
 است، حدود ۲۰ میلیون نفر آمار داده است که می‌تواند رقمی باشد برای
 طرفداری از فرضیه پرفسور موهلر (Mohler) در زوربخ، که بتعقیه او
 گرسنگی روزی در تمام جهان حکمفرما خواهد گردید و ثابت شده که ازدیاد
 تولید مواد خوراکی در دنیا نمی‌تواند با ازدیاد جمعیت هم گام باشد حتی
 با وجود بکاربردن پیشرفته‌ترین دستگاہای صنعتی و استفاده کردن از کودهای

شیمیایی در مقیاس‌های خیلی بزرگه. بهر صورت خوشبختانه از طریق علم شیمی
 در حال حاضر داروهایی بدست آمده است که می‌توانند جمعیت را کنترل نمایند.
 ولی این داروها تأثیر زیادی نخواهد بخشید اگر توسط زنان در کشورهای
 عقب افتاده مورد استفاده قرار نگیرد. و ازدیاد تولید مواد خوراکی
 میتواند در صورتی هم گام با ازدیاد جمعیت باشد که ما می‌توانستیم فریب
 ازدیاد جمعیت را در مدت ده سال به نصف کاهش دهیم. تا سال ۱۹۸۰. ناسفانه
 من نمیتوانم درباره این راه حل غیر معقول خوش بین باشم بدلیل این که
 موانع مهمی از تمسب بخصوص بخاطر قیود اخلاقی و قوانین مذهبی که نمی‌توان
 بسرعتی که جمعیت دنیا اضافه می‌کردد از میان برداشته شود. آیا صحیح تر نیست
 که از تولید نسل جلوگیری کنیم تا آنکه بگذاریم میلیونها انسان در سالهای
 متوالی بعلت گرسنگی از بین بروند؟ بهر صورت اگر هم کنترل جمعیت روزی
 عملی گردد و حتی اگر زمین‌های قابل کشت و زرع گسترش یابند و بزرداشت
 محصول توسط تکنیک‌هایی که امروز هنوز برای ما شناخته نشده چند برابر
 گردد و حتی اگر ماهی‌گیری باعث تولید مقادیر زیادی مواد خوراکی
 گردد و از منابع دریایی مواد غذایی بدست آوریم، اگر این عوامل و تعداد
 زیادی فاکتورهای دیگر با هم کمک کنند، فقط تأثیر این عوامل مطلوب در این
 خواهد بود که گرسنگی را به تمویق خواهد انداخت، و از شهریولای گرسنگی
 برای مدت در حدود صد سال در امان خواهیم بود. بقیده من روزی مردمان
 زمینی در کوره مریخ ساکن خواهند شد و همانطور که یک فرد اسکیمو
 (Eskimo) که مثلاً به مصر منتقل شده باشد از نظر آب و هوا عادت می‌کند.
 انسان هم بشرایط مریخ عادت خواهد کرد و بالاخره انسان‌ها توسط ماشینهای
 فضایی با شکوه، روزی به ستارگان دیگر سفر کرده و پسران، از سایر ستارگان،
 مستعمراتی برای ساکنان زمین ایجاد خواهند کرد. بخاطر همین دلایل است
 که ما باید بروی برنامه‌های تحقیقات فضایی خود تأکید کنیم، و برای
 نواده‌های خود شانس‌هایی را برای زنده ماندن فراهم سازیم.

هر نسلی که این نوع کوشش‌ها را جدی نگیرد و از آن چشم‌پوشی کند در
 حقیقت نسل‌های آینده را به دست مرگ سپرده است و من باید بکسانی که خود
 را مسئول زندگی آیندگان نمی‌دانند بگویم که نتایج تحقیقات فضایی ما را از

خطر جنگ سوم جهانی دورنگه داشته است. آیا این بظواهر آن نیست که قدرت
 های بزرگ بر اثر ترس از انهدام عمومی، از درگیری‌های اتمی خودداری
 کرده و مسائل خود را در محیطی دوستانه حل می‌کنند. در حال حاضر برای
 سرباز روسی لزومی ندارد که حتماً در خاک آمریکا پیاده شود تا این سرزمین
 را تبدیل به خاک تر کند و همچنین برای سرباز آمریکائی نیز ضرورت مردن در خاک
 روسیه وجود ندارد زیرا يك حمله اتمی میتواند يك سرزمین را توسط تشعشعات
 رادیو آکتیو غیر مسکون سازد. شاید غیر معمول بنظر آید اگر بگوئیم اولین
 موشک قاره‌ای كمك زیادی به صلح دنیا کرد. بعضی‌ها عقیده دارند که، بلباردها
 دلاری که برای تحقیقات فضائی خرج می‌شود بهتر است برای پیشرفت کشور -
 های عقب افتاده مصرف شود و این نلریه به قسط است زیرا کشورهای پیشرفته به
 کشورهای جهان سوم فقط بر مبنای دوستی و زمینه‌ای سیاسی كمك نمی‌کنند بلکه
 بظواهر موجود آوردن بازارهای جدید برای کالای صنعتی خودشان به کشورهای
 عقب افتاده كمك می‌کنند و كمك‌هایی که کشورهای عقب افتاده در طی دهان طولانی
 دریافت می‌دارند برای آنها مفید نخواهد بود. در سال ۱۹۶۶ در حدود ۱/۶
 میلیارد موش که هر کدام سالانه ۱۰ پوند غذا می‌خورند در هندوستان
 وجود داشت. با وجود این دولت هندوستان جرأت از بین بردن این حیوانات
 موزی را ندارد زیرا بعضی از هندی‌های متعصب این حیوانات را مقدس دانسته
 و از آنها نگهداری میکنند. هندوستان همین طور دارای ۸۰ میلیون گاو است که
 نمیتوان آنها را برای غذا کشتار کرد و نه از آنها در حمل و نقل اجسام و
 یا شخم استفاده کرد. این گاوها حتی شیر هم تولید نمی‌کنند. در کشوری که
 عقب افتاده و پیشرفت بواسطه وجود قوانین و داغ‌های گوناگون مذهبی خیلی
 آهسته انجام می‌گیرد سال‌ها طول خواهد کشید که این آئین‌ها و عادات‌ها و موهوم
 پرستی‌ها را بتوان از بین برد. در این جا نیز وسائل ارتباط جمعی مانند رادیو
 تلویزیون و روزنامه برای خدمت و پیشرفت به کار گرفته شده است. دنیا روز -
 بروز کوچکتر شده و ما می‌توانیم دربارهٔ همدیگر چیزهای زیادی بدانیم. ولی
 رسیدن به درك کامل که مرزهای هر کشوری پدیده‌ایست متعلق به گذشتگان
 و در حال حاضر ما احتیاج به مسافرت به فضا داریم هنوز کاملاً مفهوم نشده
 است. بوجود آمدن ترقی‌های شگرف در زمینهٔ تکنولوژی فضائی اما كمك